



Iran's Criminal Policy against Crimes against Industrial Property with an Approach on its Jurisprudential Foundations

Elnaz Birjandian¹, Nafiseh Motevalizadeh*², Hamid Rostaei Sadrabadi³, Mohammad Mahdi Barghi³

1. Ph.D Student of Criminal Law and Criminology, Maybod University, Meybod, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Maybod University, Meybod, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Maybod University, Meybod, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 19-31

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0000-0000-0000

TELL: +980000000000

Email: motavallizade@meybod.ac.ir

Article history:

Received: 12 Jan 2025

Revised: 17 Mar 2025

Accepted: 26 Apr 2025

Published online: 23 Sep 2025

Keywords:

Criminal Policy, Intellectual Property, Industrial Property.

ABSTRACT

One of the important issues raised in the field of intellectual property is industrial property rights. Paying attention to industrial property rights is considered one of the fundamental fields for the scientific and economic development of the country and violating these rights and committing crimes in this field, while harming the entitled people, in many cases causes violation of consumer rights. It also becomes a doer; Therefore, it seems necessary to apply a correct and efficient criminal policy in order to protect industrial property rights. Therefore, in the present essay, which is organized in a descriptive-analytical way and using the library method, while explaining the jurisprudential foundations of criminal policy against crimes against industrial property, it also explains and examines the criminal policy of Iran's legal system in this area. The results of the research show that some jurisprudential rules such as the rule of non-harm, the rule of maintaining the system and the rule of the obligation to prevent possible damage indicate the necessity of protecting industrial property rights and the necessity of preventing the violation of these rights and although the laws in question contain a number of security measures in This area has been mentioned and in some cases criminalization and punishment have been attempted in this regard. There are legal gaps in this field that should be corrected and improved.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2025 The Authors.

How to Cite This Article: Birjandian, E; Motevalizadeh, N; Rostaei Sadrabadi, H & Barghi, MM (2025). "Iran's Criminal Policy against Crimes against Industrial Property with an Approach on its Jurisprudential Foundations". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(3): 19-31.



انجمن علمی فقه‌پژای تپیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تپیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تپیقی

دوره پنجم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۴

سیاست جنایی ایران در مقابل جرایم علیه مالکیت صنعتی با رویکردی بر مبانی فقهی آن

الناز بیرجندیان^۱، نفیسه متولی‌زاده^{۲*}، حمید روستایی صدرآبادی^۳، محمدمهدی برغی^۴

۱. دانشجوی دکتری فقه و حقوق جزا، دانشگاه میبد، میبد، ایران.

۲. عضو هیأت‌علمی، گروه حقوق، دانشگاه میبد، میبد، ایران. (نویسنده مسؤل)

۳. استادیار، گروه حقوق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه میبد، میبد، ایران.

چکیده

از جمله مسائل اساسی در حوزه مالکیت فکری، حقوق مالکیت صنعتی است و توجه به امر مزبور یکی از زمینه‌های بنیادین برای توسعه علمی و اقتصادی کشور به‌شمار می‌رود و نقض این حقوق، در موارد متعدد موجب تضییع حقوق مصرف‌کننده می‌شود، لذا تبیین و تحلیل سیاست جنایی صحیح و کارآمد در راستای حمایت از حقوق مالکیت صنعتی ضروری به‌نظر می‌رسد. پژوهش حاضر در راستای ارائه الگویی برای مقابله به جرایم علیه مالکیت صنعتی تنظیم شده و از آنجا که قوانین کشور مقتبس از فقه امامیه می‌باشند، می‌کوشد با رجوع به مبانی فقهی، به تحلیل مسأله همت‌گمارد. جستار حاضر با تمرکز بر روی موضوعی خاص از سنخ پژوهش‌های مسأله‌محور بوده و به شیوه توصیفی - تحلیلی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای سامان یافته و ضمن تبیین مبانی فقهی مسأله، به تبیین و بررسی سیاست جنایی نظام حقوقی ایران در این حوزه پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که برخی قواعد فقهی، از جمله قاعده لاضرر، قاعده حفظ نظام و قاعده وجوب دفع ضرر محتمل بر ضرورت حمایت از حقوق مالکیت صنعتی و لزوم پیشگیری از نقض این حقوق دلالت دارند، هرچند در قوانین موضوعه به‌شماری از اقدامات تأمینی در این حوزه اشاره شده است و در مواردی به جرم‌انگاری و وضع مجازات در این باب مبادرت شده است، خلأهای قانونی در این زمینه وجود دارد که می‌بایست در جهت اصلاح و بهبود آن‌ها کوشید.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۱-۱۹

اطلاعات نویسنده مسؤل

کد ارکید:-.....-.....-.....

تلفن: +۹۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

ایمیل: motavallizade@meybod.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

سیاست جنایی، مالکیت فکری، مالکیت صنعتی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

موضوع حقوق مالکیت صنعتی به‌عنوان یکی از مصادیق مالکیت فکری، از جمله مباحثی است که به دلیل نقش مهمی که در توسعه اقتصاد ملی و گسترش تجارت بین‌المللی ایفا می‌کند از جایگاه ویژه‌ای در علم حقوق برخوردار است. توجه به حقوق مالکیت صنعتی نقش مهمی در پیشرفت و توسعه یک جامعه، به‌ویژه از لحاظ علمی و اقتصادی ایفا می‌کند و نقض این حقوق، نه تنها به افراد ذحق آسیب می‌رساند، بلکه منجر به خساراتی جبران‌ناپذیر براساس و بنیان یک جامعه می‌شود و مانعی برای رشد جامعه به حساب می‌آید؛ چه این که اگر حقوق صنعتی مردم و ابداعات و اختراعات ایشان به‌گونه‌ای که اطمینان خاطر برایشان حاصل شود، مورد حمایت قرار نگیرد، تمایل به اقدامات صنعتی در میان مردم کاهش یافته و جامعه از نتایج پر بار در این حوزه محروم می‌گردد.

در ضرورت پژوهش همین بس که تولید و توزیع محصولات تقلبی که یکی از مصادیق بارز جرایم علیه مالکیت صنعتی است، با سلامت عمومی مردم ارتباط مستقیم دارد. بنابراین اعمال سیاست جنایی کارآمد در راستای حمایت از این حقوق، مسأله‌ای است که اهمیت آن بر کسی پوشیده نیست.

در باب پیشینه پژوهش باید گفت، اگرچه تاکنون از حیث تحلیل حقوقی، تحقیقات و پژوهش‌هایی در زمینه موضوع مقاله صورت گرفته است، اما تاکنون پژوهشی جامع که به ذکر تفصیلی ادله و مستندات فقهی در مسأله پرداخته و به احصای این امور با مراجعه به منابع اصیل و دست اول فقهی پرداخته باشد، وجود ندارد.

لذا از حیث نوآوری پژوهش حاضر باید گفت با عنایت به خلأ پژوهشی موجود، تبیین و تحلیل قواعد فقهی ناظر به بحث، از اهمیت فراوانی برخوردار بوده و نگارندگان در این پژوهش سعی کرده‌اند نسبت به این مهم اقدام نمایند؛ امری که تاکنون در سایر پژوهش‌ها مغفول مانده است.

بنابراین تحقیق فرارو در پی پاسخ به این سؤال اساسی تنظیم شده است، در حوزه حقوق مالکیت صنعتی، فقه امامیه دارای چه آموزه‌هایی است و سیاست جنایی اسلام در این مورد چگونه

است. در پاسخ به این پرسش در ادامه پس از ارائه مبانی نظری بحث به تبیین رویکرد فقه اسلامی در خصوص حقوق مالکیت صنعتی و تحلیل و بررسی سیاست جنایی نظام حقوقی ایران برای پیشگیری از وقوع جرم پرداخته خواهد شد.

۱- جرایم علیه مالکیت صنعتی

جرایم علیه مالکیت صنعتی عبارت‌اند از:

۱-۱- نقض حقوق مخترع

حقوق مخترع دو نوع است: ۱- حقوق مادی؛ ۲- حقوق معنوی. در ماده ۱۵ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ به حقوق مادی مخترع اشاره شده است. طبق این ماده هرگونه بهره‌برداری از اختراع ثبت‌شده، از جمله ساخت، صادرات و واردات، عرضه برای فروش، فروش و استفاده از فرآورده و ذخیره به قصد عرضه برای فروش، فروش یا استفاده از فرآورده، مشروط به موافقت مالک اختراع است و به‌موجب ماده ۶۱ این قانون بهره‌برداری از اختراع ثبت‌شده توسط اشخاصی غیر از مالک اختراع، بدون موافقت مالک آن جرم است و مالک می‌تواند علیه شخصی که مبادرت به این عمل نموده است، شکایت کند.

مراد از حقوق معنوی مخترع، ثبت‌شدن اختراع به نام او است که در بند و ماده ۵ قانون مذکور بیان شده است. این حق برخلاف حق مادی، حقی دائمی است و قابلیت واگذاری و معامله را ندارد، چنان‌که در همان ماده ذکر شده است، هرگونه اظهار یا تعهد مخترع مبنی بر این که نام شخص دیگری به‌عنوان مخترع قید شود، فاقد اثر قانونی است، هرچند قانون‌گذار به این حق اشاره کرده است، لکن برخلاف حقوق مادی در خصوص نقض این حق صراحتاً جرم‌انگاری نشده است.

۱-۲- نقض حقوق مالک طرح صنعتی

طبق ماده ۲۱ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ در صورتی که طرح صنعتی زمانی جدید و یا اصیل باشد (بدین معنا که از طریق انتشار به‌طور محسوس و یا از طریق استفاده به هر نحو دیگر قبل از تاریخ تسلیم اظهارنامه یا برحسب مورد قبل از حق تقدم اظهارنامه برای ثبت

زمان در این مسأله ممکن است منجر به نقض حقوق او و وارد شدن خسارات متعدد به وی بشود، بنابراین مناسبتر این بود تا برای دارندگان اجازه استفاده از محصولات صنعتی مستقلاً حق طرح دعوا در نظر گرفته می‌شود.

۱-۳- نقض حقوق مالک علامت و نام تجاری

طبق ماده ۳۱ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ حق استفاده انحصاری از یک علامت به کسی اختصاص دارد که آن علامت را طبق مقررات این قانون به ثبت رسانده باشد و به موجب ماده ۴۰ استفاده از علامت ثبت شده، توسط هر شخص غیر از مالک علامت، منوط به موافقت مالک آن است و نیز وفق ماده ۴۷ نام‌های تجاری، حتی بدون ثبت، در برابر عمل خلاف قانون اشخاص ثالث حمایت می‌شوند و هرگونه استفاده از نام تجاری توسط اشخاص ثالث، به صورت نام تجاری یا علامت یا هرگونه استفاده از آن‌ها که عرفاً باعث فریب عموم شود، غیرقانونی تلقی می‌شود. همچنین در ماده ۶۱ آمده است که استفاده از هر علامت ثبت شده توسط هر شخص غیر از مالک علامت، بدون موافقت مالک آن، جرم است.

۱-۴- نقض قوانین مربوط به نشانه‌های جغرافیایی

طبق ماده ۲ قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی مصوب ۱۳۸۳، هر شخص یا هر گروه ذی‌نفع می‌تواند درخصوص نشانه‌های جغرافیایی^۱ به منظور جلوگیری از اعمال زیر یا مطالبه ضرر و زیان ناشی از آن‌ها در دادگاه اقامه دعوی نماید:

۱- معرفی و انتساب غیرواقعی و گمراه‌کننده مبدأ جغرافیایی کالا؛ ۲- هرگونه استفاده از نشانه‌های جغرافیایی که مطابق ماده (۱۰ مکرر) کنوانسیون پاریس مصداق رقابت نامشروع باشد.

همچنین در ماده ۶ این قانون، ارتکاب اعمال فوق‌الذکر جرم و مستوجب مجازات نقدی یا حبس تعزیری است.

در هیچ نقطه‌ای از جهان برای عموم افشا نشده باشد) قابل ثبت است و به موجب ماده ۲۸ این قانون هرگونه بهره‌برداری از طرح صنعتی ثبت شده، از جمله ساخت، فروش و واردکردن اقلام حاوی آن طرح باید با موافقت مالک طرح صورت بگیرد و هرگونه بهره‌برداری از طرح بدون موافقت مالک آن وفق ماده ۶۱ این قانون جرم است.

در ماده ۲۹ قانون مزبور به صورت تلویحی به حقوق معنوی مالک طرح صنعتی اشاره شده است. طبق این ماده اگر شخص ذی‌نفعی ثابت کند کسی که طرح صنعتی به نام وی ثبت شده است، پدیدآورنده آن طرح یا قائم‌مقام قانونی او نیست می‌تواند ابطال ثبت طرح صنعتی را درخواست کند. از متن این ماده به دست می‌آید که طرح صنعتی باید به نام پدیدآورنده طرح یا قائم‌مقام قانونی او ثبت شود، لکن برای نقض این حق صراحتاً جرم‌انگاری نشده است.

یکی از خلأهای قانونی در این حوزه این است که ممکن است حق استفاده و بهره‌برداری از یک اختراع یا طرح صنعتی با موافقت مالک به شخص دیگری داده شده باشد، لکن در قانون برای این اشخاص، حق مستقلی جهت اقامه دعوا و جلوگیری از نقض حق در نظر نگرفته نشده است و همان‌گونه که از بند «ب» ماده ۱۵ و بند «ج» ماده ۲۸ استفاده می‌شود این حق صرفاً به مالک اختصاص دارد و طبق ماده ۶۰ قانون مزبور هرگاه ثابت شود، دارنده اجازه استفاده، از مالک درخواست کرده است تا برای خواسته معینی به دادگاه دادخواست بدهد و مالک امتناع کرده یا نتوانسته آن را انجام دهد، دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور دستور جلوگیری از نقض حقوق یا نقض قریب‌الوقوع حقوق، به جبران خسارت مربوط نیز حکم صادر کند و یا تصمیم دیگری جهت احقاق حق اتخاذ نماید. به عبارت دیگر اقدام دادگاه در این زمینه منوط بر این است که شخص دارنده اجازه استفاده ابتدائاً اقامه دعوا را از مالک حق درخواست کرده باشد و این امر حاصل نشده باشد، حال آن‌که رجوع دارنده اجازه استفاده به مالک حق صرفاً باعث اتلاف وقت می‌شود و اتلاف

^۱ یعنی هرگونه محصول طبیعی و کشاورزی و یا فرآورده‌های آن یا صنایع دستی و یا تولیدات صنعتی.»

^۱ طبق ماده ۱ قانون مزبور: «نشانه جغرافیایی نشانه‌ای است که مبدأ کالایی را به قلمرو، منطقه یا ناحیه‌ای از کشور منتسب می‌سازد، مشروط بر این‌که کیفیت و مرغوبیت، شهرت یا سایر خصوصیات کالا اساساً قابل انتساب به مبدأ جغرافیایی آن باشد و کالا،

مسأله حائز اهمیت این است که وفق ماده ۳۰ آیین‌نامه موضوع ماده ۱۶ قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی مصوب ۱۳۸۴ علاوه بر مدعی خصوصی، مقامات قضایی نیز می‌توانند از دادگاه صدور قرار تأمین دلیل یا دستور موقت را درخواست نمایند. به نظر می‌رسد از آنجایی که تقلب در نشانه‌های جغرافیایی موجب گمراه شدن مردم و متضرر شدن ایشان می‌شود، چنین حقی برای مقامات قضایی در نظر گرفته شده است تا بدین‌وسیله از حقوق عامه دفاع نمایند.

۲- مبانی فقهی سیاست جنایی در مقابل جرایم علیه مالکیت صنعتی

درخصوص سیاست جنایی اسلام در قبال جرایم علیه مالکیت صنعتی باید گفت به‌طور کلی باتوجه به این‌که مسائل حوزه مالکیت فکری، از جمله حق تألیف، حق نشر، حق بر علائم تجاری و صنعتی و ... از موضوعات نوظهور می‌باشند، در آثار فقیهان متقدم به آن پرداخته نشده است، لکن فقیهان معاصر در بخش مسائل مستحدثه و نیز در پاسخ استفتائات به برخی احکام مربوط به این حوزه اشاره داشته‌اند. در این‌که حق تألیف برای پدیدآورنده اثر، حق طبع برای ناشر و حق اختراع برای مخترع از نظر شرع معتبر است یا خیر، اختلاف نظر وجود دارد (مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بیت (ع)، ۱۴۲۶: ۳/۳۴۲)، لکن غالب فقیهان به اعتبار شرعی مالکیت فکری قائل شده‌اند؛ برخی حقوق مالکیت فکری را مشمول «حقوق عقلانی» و عدم رعایت آن را حرام دانسته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۳/۵۵۴) و بعضی دیگر باتوجه به سایر ادله و مبانی فقهی، به مشروعیت حقوق مالکیت فکری قائل شده و نقض این حقوق را ممنوع و حرام دانسته‌اند (منتظری، بی‌تا: ۴۰۷/۳-۴۰۵؛ روحانی، بی‌تا: ۳۰۰-۲۹۹).

برخی مبانی فقهی مشروعیت مالکیت صنعتی و حرمت نقض آن عبارت‌اند از:

۱- سیره عقلا: با مراجعه به عرف می‌توان دریافت که عقلا مالکیت معنوی را حق دانسته و مشروعیت این حق از جانب عقلا پذیرفته شده است.

۲- قاعده حرمت مال و عمل مسلمان: طبق این قاعده، اموال مسلمین، محترم بوده و هیچ‌کس حق تصرف و تعدی نسبت به این اموال را ندارد و هرگونه تصرف در اموال دیگران، نامشروع است. اهمیت مال مسلمان به اندازه‌ای است که در روایات متعدد، حرمت آن همچون حرمت خون او دانسته شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۳۶۰). قاعده مزبور شامل اعمال انسان که عرفاً دارای ارزش اقتصادی هستند نیز می‌شود و به عبارتی کار انسان نیز مال او محسوب شده و همچون سایر اموال وی دارای احترام بوده و مصون از تعدی است (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۱/۲۱۷). بنابراین این قاعده را می‌توان یکی از مبانی مشروعیت مالکیت صنعتی دانست که براساس آن هرگونه عمل صاحبان و مبتکران آثار صنعتی که عرفاً دارای ارزش اقتصادی است، شرعاً محترم بوده و نقض حقوق مربوط به آن‌ها نامشروع است.

۳- قاعده تسلیط: قاعده تسلیط دارای دو جنبه اثباتی و سلبی است: - جنبه اثباتی: بدین‌معنا که سلطنت مالک بر مال خویش حق او است و حق مزبور مطلق است و شامل هرگونه تصرف در مال می‌شود، مادام که از سوی شرع منع و ردعی وارد نگردد. این اطلاق نسبت به موارد تصرف و زمان و استمرار آن نیز شمول و عموم دارد. باتوجه به این‌که کلیه تصرفات مالک مجاز و مشروعیت دارد، چنان‌چه مالک با اراده خودش اذن در تصرف به دیگری بدهد، تصرف شخص مأذون براساس حق مطلق مالک، مشروع خواهد بود؛ - جنبه سلبی: تصرفات دیگران در اموال مالک بدون اذن و رضایت او یا منع و مزاحمت آنان نسبت به تصرفات او، هم موضوع حکم تکلیفی است و هم موضوع حکم وضعی. از نظر تکلیفی، مزاحمت و تصرفات دیگران ممنوع و غیرمشروع است و از نظر وضعی، چنان‌چه سلطه مالکانه شخصی موجب تعرض و مزاحمت شود، مزاحم ضامن و مسؤول جبران است (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۱/۲۱۷). با عنایت به این‌که بر آثار صنعتی نیز به‌دلیل داشتن ارزش اقتصادی، عرفاً مال اطلاق می‌شود، مفاد قاعده تسلیط شامل این موارد نیز می‌شود، لذا هرگونه تصرف در این‌گونه آثار بدون اذن و رضایت صاحبان آن‌ها نامشروع است.

با عنایت به این‌که طبق ادله فوق، نقض حقوق مالکیت فکری نامشروع است، سیاست جنایی اسلام در مقابل سایر محرّمات

هستند که دربردارنده عبارت «لاضرر و لا ضرر فی الاسلام» می‌باشند (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۲۹۳).

این قاعده ایزاری جهت نفی احکام ضرری بوده (بجنوردی، ۱۳۸۹: ۱/۱۸۸) و طبق آن هیچ‌گونه زیان‌رسانندی مشروع نیست (آخوند خراسانی، ۱۴۲۴: ۴۳۳-۴۳۰). عدم مشروعیت ضرر، هم شامل مرحله قانون‌گذاری می‌شود و هم شامل مرحله اجرای قانون. عدم مشروعیت ضرر در مرحله قانون‌گذاری، یعنی در اسلام، قانونی که موجب ورود ضرر شخصی یا نوعی شود وضع نشده است و چنین قوانینی در اسلام مشروع نیست و عدم مشروعیت ضرر در مراحل اجرا، یعنی در موارد روابط اجتماعی مردم با یکدیگر نیز چنان‌چه عملی منجر به اضرار فردی به دیگری گردد، مورد تأیید شارع نیست (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۱/۱۵۰).

درخصوص ارتباط قاعده مزبور با موضوع بحث باید گفت نقض حقوق مالکیت صنعتی و تعدی به حقوق صاحبان صنایع منجر به ضرر ایشان خواهد شد، به‌علاوه معتبرندانستن مالکیت صنعتی و عدم حمایت از آن و عدم وجود راهکارهای سازنده جهت جلوگیری از نقض حقوق صاحبان صنایع منجر به ضررهای اقتصادی در سطح ملی خواهد شد. توضیح این‌که اگر کشوری نظام حمایت از مالکیت صنعتی را به رسمیت نشناسد، از یک‌سو انگیزه مخترعان و آفرینندگان محصولات صنعتی کاهش می‌یابد و پدیدآورندگان آثار صنعتی ترجیح مدهند تا برای بهره‌مندشدن از حمایت بین‌المللی آثار خود را در کشورهای دیگر به ثبت برسانند و از سوی دیگر امکان دارد سایر کشورها از روابط صنعتی و تجاری با کشوری که حقوق مالکیت صنعتی را به رسمیت نمی‌شناسد، امتناع ورزند، بنابراین می‌توان گفت باتوجه به ضررهای شخصی و اجتماعی مزبور، قاعده لاضرر مستلزم حمایت از حقوق مالکیت صنعتی و اعمال سیاست جنایی مناسب است، چه این‌که سیاست جنایی مناسب می‌تواند از ورود ضرر به صاحبان صنایع و اقتصاد ملی جلوگیری نماید.^۱

درخصوص این موارد نیز اعمال می‌شود که می‌توان آن را شامل اقدامات پیشگیرانه ذیل فریضه «مربهمعروف و نهی‌ازمنکر» و اقدامات سرکوبگرانه و وضع مجازات تعزیری ذیل قاعده «التعزیر لکل عمل محرم» دانست؛ طبق این قاعده هرکس مرتکب فعل نامشروعی شود که حدی برای آن در شرع تعیین نشده باشد، تعزیر می‌شود؛ در این خصوص بیان شده است در هر چیزی که حاکم مصلحت بدانند، در هر آن‌چه موجب آزاررسانی به مردم، اخلال در نظام، هتک حرمت، فساد در امور، تضعیف امنیت و اطمینان مردم به یکدیگر و به‌طور کلی در همه مواردی که بر حاکم واجب است به آن قیام کند و هرگاه امر خلاف شرعی واقع شود، از حاکم خواسته می‌شود و وظیفه وی است که مرتکب این امور را تعزیر نماید (گلپایگانی، ۱۴۰۴: ۱۳۸).

حتی اگر عدم مشروعیت و حرمت نقض حقوق مالکیت صنعتی بنا به ادله سابق‌الذکر پذیرفته نشود، به‌همراه‌داشتن آثار سوء فردی و اجتماعی در مورد ارتکاب عملی خاص، می‌تواند به حکومت این اختیار را بدهد که برای آن عمل اقدامات پیشگیرانه و سرکوبگرانه تعیین نماید، زیرا براساس قوانین شرعی، حکومت تنها از دخالت در دایره حرمت، وجوب، استحباب و کراهت شرعی منع شده است و درخصوص دخالت در محدوده مباحات، نهی شرعی وجود ندارد، بنابراین حکومت می‌تواند در این موارد براساس صلاحدید اقدام کند (صدر، ۱۳۷۵: ۶۸۹). اختیار حکومت برای در نظرگرفتن اقدامات پیشگیرانه و سرکوبگرانه در مورد نقض حقوق مالکیت صنعتی باتوجه به قواعد ذیل نیز قابل توجیه است:

۲-۱- قاعده لاضرر

یکی از قواعد مهم در نظام حقوقی اسلام که مبنای بسیاری از احکام و قوانین است، قاعده «لاضرر» می‌باشد. مستند این قاعده علاوه بر عقل و آیاتی همچون آیات ۲۳۳ و ۲۸۲ سوره بقره و آیه ۱۲ سوره نساء که بر نفی ضرر دلالت دارند، روایاتی

^۱ امری موجب زیان شود، طبق قاعده، نفی می‌شود، اما در مورد جریان قاعده در امور عدمی اختلاف نظر وجود دارد. مراد از جریان قاعده در امور عدمی این است که اگر عدم وجود حکمی مستوجب ضرر باشد، می‌توان با استناد به قاعده لاضرر

^۱ باید عنایت داشت که استناد به قاعده لاضرر در بحث حقوق مالکیت صنعتی مبتنی بر شمولیت قاعده نسبت به امور عدمی است. توضیح این‌که در مورد جریان قاعده لاضرر در امور وجودی اختلافی میان فقیهان نیست، یعنی چنان‌چه وجود

۲-۲- قاعده وجوب حفظ نظام

یکی از قواعدی که در فقه امامیه نقش مهمی در تعیین احکام فقهی و حقوقی دارد، قاعده وجوب حفظ نظام است که از آن به لزوم تأمین حقوق مردم و رفع نیازهای ایشان جهت حفظ نظام جامعه تفسیر شده است (ورعی، ۱۳۹۳: ۸). طبق این قاعده هر زمان ارتکاب یا ترک فعلی موجب متزلزل شدن پایه‌های نظام اجتماعی شود، باید از آن احتراز نمود. در آیات متعددی از قرآن کریم بر لزوم حفظ نظام و مصالح اجتماعی تأکید شده است (به‌عنوان مثال آیه ۵۳ سوره انعام، آیه ۱۰۳ و ۱۰۵ سوره آل عمران، آیه ۴۶ سوره انفال و آیه ۱۵۹ سوره انعام). همچنین روایات متعددی در این باب وارد شده است، از جمله روایاتی که امامت را نظم‌دهنده ملت و لازمه آن دانسته‌اند (مفید، ۱۴۱۳: ۱۴)، روایات مربوط به ضرورت وجود حکومت جهت برقراری نظم در جامعه (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۳۶) و روایاتی که به لزوم اتحاد میان مسلمانان جهت حفظ نظام جامعه اشاره دارند (ابن حنبل، ۱۴۱۴: ۴۰۵/۴)، به‌علاوه می‌توان قاعده مزبور را یک اصل عقلایی دانست، چه این که ضرورت حفظ نظام جامعه دارای حسن ذاتی بوده و در مقابل، وجود هرگونه بی‌نظمی و هرج‌ومرج در آن عقلاً قبیح است و به حکم عقل هرگونه اقدام در جهت حفظ مصلحت عمومی جامعه و پیشگیری از اختلال در نظم اجتماعی ضروری می‌نماید. در این باب گفته شده است که حفظ نظام جامعه و اقامه ارکان دین و امر به معروف و نهی از منکر به مفهوم وسیع آن، یعنی گسترش نیکی‌ها در جامعه و برکندن ریشه تباهی‌ها و بدی‌ها، تأمین رفاه مردم در جامعه و اموری همانند این‌ها در حکومت حقه

صالحه، چیزی است که به حکم عقل و شرع از ضروریات است (منتظری، ۱۴۰۹: ۲۸۷/۴).

به‌نظر می‌رسد باتوجه به این که اجرای حدود و تعزیرات در موارد منصوص شرعی برای حفظ نظام جامعه کافی نیست، حکومت اسلامی اختیار دارد تا در مورد هر عملی که مفسده و پیامد سوء همراه دارد، به درجه‌ای که نظام اجتماعی و حقوق عامه و مصالح جامعه را به خطر بیندازد، تدابیر پیشگیرانه و سرکوبگرانه مناسب را پیش‌بینی نماید، زیرا اگر چنین اختیاری برای حکومت اسلامی وجود نداشته باشد، نظام اسلامی به تدریج اعتبارش را نزد مردم از دست خواهد داد. به عبارت دیگر قانون‌گذار برای ایجاد نظم در اجتماع و کاهش و پیشگیری از به خطر افتادن موجودیت آن، می‌تواند اقدامات لازم را انجام دهد. شماری از فقیهان نیز به این امر اذعان داشته و اعمال مجازات در مواردی که موجب اذیت مردم و اختلال و فساد در نظام جامعه می‌شود را جایز دانسته‌اند (گلپایگانی، ۱۴۰۴: ۱۳۹؛ اردبیلی، ۱۴۲۷: ۳۷/۱).

درخصوص ارتباط قاعده مزبور با موضوع بحث باید گفت امروزه محصولات صنعتی در جوامع انسانی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای هستند و همان‌گونه که ذیل مبحث قاعده لاضرر اشاره شد، عدم حمایت کافی و وافی از این محصولات، نتایج مخربی را در جامعه به بار می‌آورد، از جمله این که این مسأله می‌تواند منجر به رکود تدریجی علم و صنعت در جامعه شود. به عبارتی باید گفت عدم توجه به حقوق مبتکران صنعتی از عوامل مهم بروز اختلال و هرج‌ومرج در نظام جامعه است و همان‌گونه که

خواه ناشی از وضع قوانین نامطلوب باشد و خواه ناشی از عدم وضع قوانین مناسب و عدم پیش‌بینی تدابیر لازم باشد. بسیاری از فقیهان متقدم، در موارد متعدد برای اثبات ضمان به قاعده لاضرر استدلال کرده‌اند و حتی شیخ انصاری که از پیشگامان نظریه عدم جریان قاعده لاضرر در امور عدمی است، در مواردی چند از قاعده لاضرر برای اثبات ضمان استفاده کرده است، از جمله درخصوص ضمان مقبوض به عقد فاسد، به‌علاوه به‌نظر می‌رسد امر عدمی به امر وجودی برمی‌گردد، چنان که عدم ضمان عبارت دیگری برای براءت ذمه است و براءت ذمه حکمی وجودی است که می‌تواند مشمول لاضرر قرار بگیرد و به‌موجب آن برداشته شود، به‌علاوه در قاعده لاضرر در کنار نصوص لفظی، به بنای عقلا نیز استناد می‌شود و عقلا در امور عدمی نیز لاضرر را حاکم می‌دانند (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۱۶۰/۱-۱۵۸). در بحث مالکیت صنعتی نیز عدم وجود سیاست جنایی مناسب، موجب بروز ضررهای شخصی و اجتماعی می‌شود و بنابراین درصورت جریان قاعده لاضرر در امور عدمی، در موضوع مزبور نیز می‌توان به قاعده لاضرر استناد نمود.

وضع حکم را لازم دانست. برخی فقها معتقدند قاعده لاضرر در امور عدمی جاری نمی‌شود و نمی‌توان با تمسک به آن حکمی را اثبات کرد (انصاری، بی‌تا: ۳۷۲؛ خوانساری، ۱۴۰۵: ۱۹۲/۵)؛ در مقابل، برخی دیگر معتقدند می‌توان با استناد به قاعده لاضرر اثبات حکم نمود (طباطبایی، بی‌تا: ۳۰۲/۲). به‌نظر می‌رسد باتوجه به این که هرگونه ضرر در دایره تشریح نفی گردیده است، در مواردی که عدم وجود حکم موجب ورود ضرر می‌شود نیز مشمول قاعده واقع می‌شوند و وجهی برای محدودکردن قاعده به رفع احکام و افعال خاص وجودی وجود ندارد، چنان چه گفته شود که اگر عدم جعل حکم از ناحیه شارع موجب ضرر شود، ورود ضرر و زیان منتسب به شارع نخواهد بود تا لاضرر آن را مرتفع سازد؛ می‌توان گفت محیط تشریح و قانون‌گذاری با جمیع شئون، محیط حکومت شارع است و همان‌طور که جعل قانون ممکن است برای فرد یا جامعه زیان داشته باشد، سکوت و عدم جعل نیز می‌تواند زیان‌بار باشد و وقتی حکومتی نظام جامعه و ملتی را به‌دست گرفت، هرگونه سوء جریان در روابط حقوقی اجتماعی، ناشی از عدم تدبیر او تلقی می‌شود،

می‌شود. از سوی دیگر همان‌گونه که ذیل مبحث قاعده لاضرر اشاره شد، عدم حمایت کافی و وافی از محصولات صنعتی نتایج مخربی را در جامعه به بار می‌آورد و منجر به ضررهای شخصی و اجتماعی زیادی می‌شود، لذا وجود اقدامات پیشگیرانه مناسب جهت پیشگیری از ضررهایی که در اثر نقض حقوق مالکان محصولات صنعتی متوجه صاحبان صنایع و بخش‌های مختلف جامعه می‌شود، به حکم عقل واجب است.

۳- سیاست جنایی ایران در جرایم علیه مالکیت صنعتی

به‌طور کلی سیاست جنایی نظام حقوقی ایران در مورد جرایم علیه مالکیت صنعتی را می‌توان ذیل دو بخش مطرح نمود: یکی تدابیر قانونی جهت پیشگیری از نقض حقوق مالکیت صنعتی؛ دیگری اقدامات قانونی در مواجهه با جرایم علیه مالکیت صنعتی. در ادامه به تبیین هریک از این موارد پرداخته خواهد شد.

۳-۱- تدابیر قانونی جهت پیشگیری از نقض حقوق مالکیت صنعتی

تدابیری که در نظام حقوقی ایران برای پیشگیری از جرایم علیه مالکیت صنعتی در نظر گرفته شده است، به شرح ذیل می‌باشند:

۳-۱-۱- تدابیر مرزی و گمرکی

قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰ به‌موجب مواد ذیل نقش مؤثری در پیشگیری و مقابله با جرایم علیه مالکیت صنعتی ایفا می‌کند:

۱- در بند «ر» ماده ۱۲۲ این قانون به ممنوعیت ورود کالاهای تقلبی اشاره شده است. به‌موجب این بند، کالاهای دارای نشانی یا نام یا علامت یا مشخصات دیگری بر روی خود کالا یا روی لفاف آن‌ها به‌منظور فراهم کردن موجبات اغفال خریدار و مصرف‌کننده نسبت به سازنده یا محل ساخت یا خواص یا مشخصات اصلی آن کالا ممنوع‌الورود هستند، مگر در صورتی که نشانه‌های اغفال از روی آن‌ها محو شود؛

۲- به‌موجب ماده ۱۵۵ این قانون در مواردی که دولت جمهوری اسلامی ایران طبق قانون، عضویت در کنوانسیون‌ها و قراردادهای بین‌المللی مربوط به گمرک را پذیرفته و

گذشت حفظ نظام اجتماعی و پیشگیری از هرگونه اختلال در نظم جامعه عقلاً و شرعاً لازم است، لذا وجود سیاست جنایی مناسب جهت پیشگیری از نقض حقوق مالکان محصولات صنعتی که منجر به بی‌نظمی در جامعه می‌شود امری ضروری است.

۲-۳- قاعده وجوب دفع ضرر محتمل

یکی از قواعد مهمی که در ابواب مختلف فقه مورد عنایت قرار گرفته است، قاعده وجوب دفع ضرر محتمل است که از جمله قواعد عقلی است و طبق آن به حکم عقل در هر موردی که احتمال ضرر وجود داشته باشد، باید در جهت دفع ضرر اقدام نمود. اصولیان در بحث احتیاط از این قاعده به‌عنوان دلیل عقلی وجوب احتیاط یاد کرده و اظهار داشته‌اند که اگر در ارتکاب عملی احتمال ضرر وجود داشته باشد، عقل حکم می‌کند که در جهت دفع ضرر از انجام آن فعل امتناع شود و اگر در ترک فعلی احتمال ضرر وجود داشته باشد، به حکم عقل می‌بایست به انجام فعل مبادرت نمود (خویی، ۱۴۱۷: ۲/۲۱۵؛ انصاری، ۱۴۱۹: ۲/۱۷۹؛ آخوند خراسانی، ۱۴۲۴: ۳۰۹).

نکته حائز اهمیت در قاعده مزبور این است که مراد از واژه دفع در آن، جلوگیری کردن از ایجاد ضرر محتمل است. توضیح این‌که دفع ضرر با رفع ضرر متفاوت است، چه این‌که رفع به معنی زائل کردن چیزی است که موجود شده است و اقتضای بقاء نیز دارد، اما دفع به معنی مانع‌شدن و جلوگیری کردن از وجود یافتن چیزی است که مقتضی برای ایجاد آن موجود است. در اصطلاح گفته شده است: «رفع، مانع از تأثیر مقتضی برای بقای شیء موجود است و دفع، مانع از تأثیر مقتضی برای موجودشدن چیزی است که هنوز وجود نیافته است» (سبحانی، ۱۴۱۹: ۳/۳۴۹)؛ بنابراین در قاعده مزبور عقل به وجوب جلوگیری از ضرری که هنوز به‌وجود نیامده است، اما احتمال موجودشدنش وجود دارد حکم می‌کند.

درخصوص ارتباط قاعده مزبور با موضوع بحث باید گفت از یک‌سو با عنایت به این‌که وجوب دفع ضرر محتمل از احکام عقلی است، همچون سایر احکام عقلی غیرقابل تخصیص است و محدود به حوزه خاصی نمی‌شود، بلکه تمام مواردی که احتمال ضرر، اعم از دنیوی و اخروی، وجود داشته باشد را شامل

روز از تاریخ مراجعه به دادگاه صالحه به گمرک مربوطه اعلام کند. در غیر این صورت کالا به ضبط قطعی دولت درمی‌آید.

به‌نظر می‌رسد تدابیر مرزی از چند جهت در پیشگیری از جرایم علیه مالکیت صنعتی در داخل کشور مؤثر هستند:

۱- جلوگیری از ورود کالاهای ناقص حقوق مالکیت صنعتی به داخل کشور، زمینه استفاده و بهره‌برداری از این قسم کالاها در کشور را تا حد قابل توجهی کاهش می‌دهد؛

۲- پیش‌بینی تدابیری چون توقیف و معدوم کردن کالاهای ناقص حقوق مالکیت صنعتی موجب می‌شود تا مجرمانی که در این حوزه فعالیت می‌کنند، برای جلوگیری از متضرر شدن خودشان از وارد کردن چنین کالاهایی خودداری کنند؛

۳- تدابیر مرزی و گمرکی مانع ارتکاب جرایم دیگری می‌شود که با نقض حقوق مالکیت صنعتی ارتباط دارند. به‌عنوان مثال بهره‌برداری و استفاده از کالاهای ناقص حقوق مالکیت صنعتی زمینه‌ساز وقوع جرایمی همچون کلاهبرداری نیز می‌شود، بنابراین با استفاده از تدابیر مرزی از جرایم متعددی که به یکدیگر وابسته هستند، جلوگیری می‌شود.

۳-۱-۲- اقدامات تأمینی مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی در قانون آیین دادرسی مدنی دو اقدام تأمینی در نظر گرفته شده است که در جلوگیری از نقض حقوق مالکیت صنعتی مؤثر هستند: یکی صدور دستور موقت؛ دیگری قرار تأمین خواسته.

۳-۱-۲-۱- صدور دستور موقت

دستور موقت یکی از تدابیر احتیاطی در آیین دادرسی مدنی است که به‌منظور حفظ حقوق مدعی و جلوگیری از نقض حق مورد ادعا پیش‌بینی شده است. مبحث دستور موقت در ماده ۳۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی بیان شده است. به‌موجب این ماده «در اموری که تعیین تکلیف آن فوریت دارد، دادگاه به درخواست ذی‌نفع با شرایطی دستور موقت صادر می‌نماید.» به عبارتی می‌توان گفت دستور موقت تدبیری قانونی است که وفق آن به درخواست مدعی و با تشخیص فوریت تعیین تکلیف

لازم‌الاجرا شناخته است، روش‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی این قراردادها از طرف گمرک ایران تهیه می‌شود و به تصویب هیأت‌وزیران می‌رسد.

باتوجه به این ماده و با عنایت به این که ایران در سال ۱۳۳۸ به معاهده پاریس در حوزه حمایت از حقوق مالکیت فکری پیوسته است، مقررات گمرکی این معاهده در حقوق ایران نیز لازم‌الاجرا است. طبق مواد ۹ و ۱۰ این معاهده کشورهای عضو موظف هستند در مقررات خود تدابیری اتخاذ نمایند تا کالاهایی که در آن‌ها نشان تقلبی وجود دارد، توقیف شوند و یا از ورود آن‌ها به داخل کشور جلوگیری شود.

به‌علاوه در موافقت‌نامه لیسبون^۱ (که ایران در سال ۱۳۸۳ به آن ملحق شده) و موافقت‌نامه مادرید^۲ (که ایران در سال ۱۳۸۲ عضو آن شده است) نیز قواعدی وجود دارد که به‌موجب آن‌ها ورود کالاهایی که ناقص حق مالکیت صنعتی هستند، به داخل کشورهای عضو این معاهدات ممنوع است.

شایان ذکر است که در معاهدات مذکور، تنها به موظف‌بودن کشورها به تدوین مقرراتی درجهت ممنوعیت ورود کالاهای ناقص حق مالکیت صنعتی اشاره شده است و ضمانت اجرایی در این زمینه ارائه نشده است، لکن در نظام حقوقی ایران به‌موجب قوانین گمرکی و مقررات خاص دیگر، ضمانت اجرایی، از قبیل معدوم کردن، ضبط و توقیف این قسم کالاها پیش‌بینی شده است. به‌عنوان مثال به‌موجب ماده ۱۰۵ قانون امور گمرکی هرگاه کالایی که ورود آن ممنوع است، برای ورود قطعی با نام و مشخصات کامل و صحیح اظهار شود، گمرک باید از ترخیص آن خودداری و به صاحب کالا یا نماینده قانونی وی به‌طور مکتوب اخطار کند که حداکثر ظرف سه‌ماه نسبت به عبور خارجی یا مرجوع کردن کالا با رعایت ضوابط اقدام نماید. در صورت عدم اقدام ظرف مدت مزبور، گمرک کالا را ضبط و مراتب را به صاحب آن یا نماینده او ابلاغ می‌نماید. صاحب کالا حق دارد از تاریخ ابلاغ ضبط تا دوماه اعتراض خود را به دادگاه صالحه تسلیم نماید و مراتب را حداکثر ظرف پانزده

²- Madrid Agreement

¹- Lisbon Agreement

۲- خواسته در معرض تضییع یا تفریط باشد؛

۳- در مواردی، از قبیل اوراق تجاری وخواست شده که به موجب قانون، دادگاه مکلف به قبول درخواست تأمین باشد؛

۴- خواهان، خساراتی را که ممکن است به طرف مقابل وارد شود، نقداً به صندوق دادگستری بپردازد.

امکان درخواست تأمین خواسته در دعاوی مالکیت صنعتی در مقررات ویژه حقوق مالکیت صنعتی ذکر نشده است، لکن باتوجه به ماده ۱۰۸ می‌توان گفت در مواردی که شخصی غیر از صاحبان صنایع برای محصولی صنعتی سند رسمی اخذ نماید و از آن سوءاستفاده کند، می‌توان درخواست تأمین خواسته داد. بدیهی است که توقیف چنین محصولاتی و جلوگیری از توزیع آن‌ها موجب پیشگیری از توسعه دامنه جرم می‌شود.

۲-۳- اقدامات قانونی در مواجهه با جرایم علیه مالکیت صنعتی
در نظام حقوقی ایران، قوانینی در حوزه مالکیت صنعتی وضع شده‌اند که در آن‌ها به جرم‌انگاری مصادیق گوناگون تخلفات در این زمینه پرداخته شده است؛ این قوانین عبارت‌اند از:

۱- قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶: در این قانون به حمایت از حقوق مخترعین و صاحبان طرح‌های صنعتی و علائم تجاری پرداخته شده است و برای جرایمی که در این حوزه ارتکاب می‌یابند، مجازات‌هایی مقرر شده است. به موجب ماده ۶۱ این قانون، «بهره‌برداری از اختراع ثبت‌شده توسط اشخاصی غیر از مالک اختراع، بدون موافقت مالک آن، بهره‌برداری از طرح صنعتی ثبت‌شده توسط اشخاص غیر از مالک اختراع، بدون موافقت مالک آن و استفاده از هر علامت ثبت‌شده توسط هر شخص غیر از مالک علامت، بدون موافقت مالک آن، جرم بوده و مرتکب علاوه بر جبران خسارت، به پرداخت جزای نقدی از ده میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا حبس تعزیری از نودویک‌روز تا شش‌ماه یا هر دوی آن‌ها محکوم می‌شود»؛

۲- قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹: طبق ماده ۱۳ این قانون، «هرکس حقوق مورد حمایت این قانون را نقض کند، علاوه بر میزان خسارت، به حبس از ۹۱ روز تا شش‌ماه و جزای نقدی از ده میلیون تا پنجاه میلیون ریال

محکوم می‌شود»؛ ضمانت اجرای تعیین‌شده در این قانون، نقض حق اختراع مرتبط با نرم‌افزارها را نیز شامل می‌شود، لکن به نظر می‌رسد باتوجه به ماهیت این قسم اختراعات و منافع کلانی که ناقضین در این زمینه کسب می‌کنند، جزای نقدی مقرر شده بسیار ناچیز است.

۳- قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی مصوب ۱۳۸۳: به موجب ماده ۶ این قانون «هر شخصی که مرتکب اعمال مندرج در ماده ۲ شود، علاوه بر جبران خسارت به جزای نقدی از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا حبس تعزیری از نودویک‌روز تا شش‌ماه و یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد و در صورت لزوم، دادگاه می‌تواند به درخواست مدعی خصوصی دستور موقت مناسب صادر کند.»

علی‌رغم جرم‌انگاری‌های مذکور، به نظر می‌رسد خلأهایی در ضمانت اجرای کیفری جرایم علیه مالکیت صنعتی وجود دارد، از جمله:

۱- در قوانین مرتبط با مالکیت صنعتی مجازات‌های تبعی و تکمیلی، از قبیل ضبط و توقیف محصولات ناقض حقوق مالکان صنعتی برای جرایم این حوزه پیش‌بینی نشده است، هرچند در ماده ۲۳ و ۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به مجازات‌های تکمیلی و تبعی اشاره شده است، لکن هیچ‌یک از آن‌ها شامل جرایم علیه مالکیت صنعتی نمی‌شوند و تنها درج مراتب محکومیت در پیشینه کیفری محکوم به‌عنوان یکی از مجازات‌های تبعی در این حوزه نیز اجرا می‌شود. بنابراین یکی از نکاتی که می‌توان در این باب مطرح نمود، این است که به نظر می‌رسد قوانین مربوطه از این حیث نیازمند بازنگری می‌باشند و می‌بایست تدابیری همچون خارج کردن محصولات ناقض حقوق مالکیت صنعتی از چرخه تجارت و معدوم‌ساختن آن‌ها یا ضبط و توقیف آن‌ها به نفع دولت پیش‌بینی گردد.

محدودیت ضمانت اجرای کیفری به نقض حقوق مادی یکی دیگر از ایرادات وارد بر قوانین مرتبط با مالکیت صنعتی است. توضیح این‌که همان‌گونه که گذشت، درخصوص نقض حقوق معنوی مخترع و مالک طرح صنعتی صراحتاً جرم‌انگاری نشده است و باتوجه به ضرورت تفسیر مضیق در قوانین جزایی نمی‌توان ضمانت اجراهای کیفری نقض حقوق مادی را به

نقض حقوق معنوی تسری داد، بنابراین می‌بایست ضمانت‌های اجرایی مستقلی در این باب پیش‌بینی شود.

نتیجه‌گیری

از مجموع مطالب ذکر شده به دست می‌آید که با عنایت به نقش مهم حمایت از حقوق مالکیت صنعتی و پیشگیری از نقض این حقوق در توسعه علمی و صنعتی جامعه، اعمال سیاست جنایی صحیح و مناسب در این حوزه مسأله‌ای ضروری است. این موضوع را می‌توان ذیل مبانی فقهی نیز تبیین نمود، چنان‌که هرچند به دلیل نوظهور بودن حقوق مالکیت صنعتی، در منابع فقهی متقدم صراحتاً به این موضوع پرداخته نشده است، لکن ادله‌ای چون سیره عقلا، قاعده حرمت مال و عمل مسلمان و قاعده تسلیط بر اعتبار این حقوق در شریعت اسلام و حرمت نقض آن دلالت دارند. بنابراین سیاست جنایی اسلام در مقابل سایر محرمات در خصوص این مورد نیز قابل اجرا است که می‌توان آن را شامل اقدامات پیشگیرانه ذیل فریضه امر به معروف و نهی از منکر و اقدامات سرکوبگرانه ذیل قاعده «التعزیر لکل عمل محرم» دانست. همچنین به موجب قواعد لاضرر، وجوب حفظ نظام و وجوب دفع ضرر محتمل نیز حکومت اسلامی می‌تواند اقدامات پیشگیرانه و سرکوبگرانه‌ای را در مورد نقض حقوق مالکیت صنعتی مقرر نماید. سیاست جنایی نظام حقوقی ایران در مورد جرایم علیه مالکیت صنعتی مبتنی بر پیش‌بینی تدابیر پیشگیرانه و اقدامات سرکوبگرانه است، چنان‌که تدابیر مرزی و گمرکی و نیز اقدامات تأمینی نظیر صدور دستور موقت برای توقیف محصولات ناقض حقوق مالکیت صنعتی در این حوزه در نظر گرفته شده است و در قوانین متعدد، از جمله قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶، قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹ و قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی مصوب ۱۳۸۳ به جرم‌نگاری در حوزه مالکیت صنعتی پرداخته شده است، لکن خلأهایی در مقررات مربوط به جرایم علیه مالکیت صنعتی وجود دارد، از جمله عدم پیش‌بینی حق اقامه دعوی مستقل برای اشخاصی که حق استفاده و بهره برداری از یک اختراع یا طرح صنعتی با موافقت مالک به ایشان داده شده است، محدودیت ضمانت اجرای کیفری به نقض حقوق مادی در برخی موارد و عدم تعیین تکلیف کالاهای

ناقض حق توقیف شده. به نظر می‌رسد بهترین ضمانت اجرا خارج کردن این کالاها از چرخه تجارت و معدوم‌ساختن آن‌ها یا در مواردی ضبط به نفع دولت است.

در خاتمه پیشنهاد می‌شود دو نقطه قوت در قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را در سایر قوانین نیز به کار گرفت: نخست این که علاوه بر مدعی خصوصی، مقامات قضایی نیز بتوانند در این زمینه اقامه دعوا کنند؛ دیگر این که حق درخواست معدوم‌ساختن کالاهای تقلبی برای خواهان در نظر گرفته شود.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: برابر.

تشکر و قدردانی: ابراز نشده است.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- ابن حنبل، احمد (۱۴۱۴). *مسند احمد بن حنبل*. جلد چهارم، چاپ اول، بیروت: دارالفقه.
- اردبیلی، عبدالکریم (۱۴۲۷). *فقه الحدود و التعزیرات*. جلد اول، چاپ اول، قم: مؤسسه النشر لجامعه المفید.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۹). *فرائد الاصول*. جلد دوم، چاپ سوم، قم: انتشارات باقری.
- انصاری، مرتضی (بی‌تا). *مکاسب*. چاپ اول، تبریز: چاپ طاهر.
- آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۲۴). *کفایه الاصول*. چاپ دوم، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

- آیین‌نامه موضوع ماده ۱۶ قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی، مصوب ۱۳۸۴.
- بجنوردی، حسن (۱۳۸۹). *القواعد الفقهیه*. جلد اول، چاپ اول، نجف: مطبعه الآداب.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶). *غررالحکم و دررالکلم*. ترجمه و شرح جمال‌الدین محمد خوانساری، چاپ اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- جمال‌زاده، ناصر و باباخانی، مجتبی (۱۳۹۶). «کاربرد قاعده حفظ نظام در اندیشه فقهی - سیاسی امام خمینی (ره)». *دوفصلنامه علمی - پژوهشی دانش سیاسی*، ۱۳(۱): ۵-۴۰.
- خوانساری، احمد (۱۴۰۵). *جامع المدارک*. جلد پنجم، چاپ اول، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۷). *مصباح الأصول*. جلد دوم، چاپ دوم، قم: انتشارات داوری.
- روحانی، سیدمحمدصادق (بی‌تا). *المسائل المستحدثه*. قم: دارالکتاب.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۹). *المحصول فی اصول الفقه*. جلد سوم، چاپ اول، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع).
- صدر، محمدباقر (۱۳۷۵). *اقتصادنا*. چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- طباطبایی، علی (بی‌تا). *ریاض المسائل*. جلد دوم، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- قانون امور گمرکی، مصوب ۱۳۹۰.
- قانون آیین دادرسی مدنی، مصوب ۱۳۷۹.
- قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری، مصوب ۱۳۸۶.
- قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای، مصوب ۱۳۷۹.
- قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی، مصوب ۱۳۸۳.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*. جلد دوم، چاپ پنجم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گلپایگانی، لطف‌الله (۱۴۰۴). *التعزیر أنواعه و ملحقاته*. چاپ اول، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- محقق داماد، مصطفی (۱۴۰۶). *قواعد فقه*. جلد اول، چاپ هفتم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مفید، محمد (۱۴۱۳). *امالی*. چاپ اول، قم: کنگره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷). *استفتاءات جدید مکارم*. جلد سوم، چاپ چهارم، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی‌طالب (ع).
- منتظری، حسین علی (۱۴۰۹). *دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الإسلامیه*. جلد چهارم، چاپ اول، قم: نشر تفکر.
- منتظری، حسین علی (بی‌تا). *رساله استفتاءات*. جلد سوم، چاپ اول، تهران: انتشارات تفکر.
- مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت‌السلام (۱۴۲۶). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)*. جلد سوم، چاپ اول، قم: مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
- ورعی، جواد (۱۳۹۳). «قاعده اختلال نظام مفاد و قلمرو آن در فقه». *فصلنامه حکومت اسلامی*، ۱۹(۱): ۵-۳۲.